

گسست در روابط بین نسلی و تأثیر آن در شکل گیری هویت فرزند خانواده ایرانی

Rupture in intergenerational relationships and its effects on identity formation in children of Iranian family

P. Pourdehghan, B.A.

پرندیس پوردهقان*

M. Mansour, Ph.D.

دکتر محمود منصور**

F. Bagheri, Ph.D.

دکتر فریبرز باقری***

چکیده

یکی از حوزه‌های روانشناسی بالینی تحولی، چگونگی تأثیر فرهنگ بر تحول، رفتار و تجربه بیماری است. گسترش موج وسیع صنعتی شدن، جوامع سنتی را دستخوش تغییرات و تحولات عمده‌ای در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کرده است. بسیاری از این تحولات، متأثر از تفاوت‌های نسل‌هایی‌اند که جانشین یکدیگر می‌شوند. ساختار هویت در متن شخصیت، مرتبط با زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی است. پژوهش حاضر که مطالعه‌ای درون فرهنگی محسوب می‌شود، با هدف ردیابی گسست فرهنگی- اجتماعی در روابط بین نسلی و بررسی نقش آن در شکل گیری هویت انجام شده است. برای رسیدن به نتیجه، هم‌جوشی دو روش

*. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** استاد روانشناسی بالینی و تحولی، دانشگاه تهران (نویسنده مسؤل)

*** دانشیار روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

کیفی مورد توجه قرار گرفته است. ردیابی گسست فرهنگی - اجتماعی در مورد آزمودنی ها و والدین شان، گشایش راهی ست برای بررسی هویت. بنابراین، بر اساس مراجعه مستقیم به آراء مصاحبه شونده‌گان، با استفاده از روش بالینی تک بررسی "تئوری داده بنیاد"، زمینه مسائل مربوط به روابط فرهنگی - اجتماعی بررسی شده است. سپس بر این مبنای، با استفاده از "روش بالینی"، منزلت های هویتی به صورت "تک بررسی" مورد بررسی قرار گرفته اند. ۱۰ نفر از زنان و دختران جوان شهر تهران با روش "نمونه گیری نظری" انتخاب شده اند. ابزارهای پژوهش، جدول های راهنمای مصاحبه بوده اند. تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس مقوله بندی و تفسیر آنها صورت گرفته است. نتایج در یک مدل نظری ترسیم شده و نشان داده که هر قدر شدت گسست فرهنگی - اجتماعی بیشتر باشد، احتمال نارسایی هویت در فرزندان خانواده بیشتر است.

واژه - کلیدها: گسست فرهنگی - اجتماعی، هویت.

Abstract

One of the fields of developmental clinical psychology is understanding how culture impacts development, behavior, and disorder. Spreading of industrialization has changed traditional communities in the sociocultural context. Many of these changes are impressed by the differences of generations which substitute each other. Identity is related to sociocultural context. This study, which is intercultural, aims to trace sociocultural rupture in intergenerational relationships and to survey its role on identity formation. In this study, two qualitative methods have been compounded. Tracing of sociocultural rupture between subjects and their parents has been used for opening a way to survey identity. So, in the beginning, according to interviews by "grounded theory", We have provided issues related to sociocultural relationships. Then on this basis, by using the clinical method, identity components have been studied as a case study. 10 young girls and women have been selected in Tehran on the based of "theoretical sampling" method. Research tools were the interviews directory. Data analysis have been done with data coding and interpretation. The results of this study have drawn as the theoretical model and they have shown that more intensity of the sociocultural

rupture between two generation, less probability of the identity achievement in children of family.

Keywords: sociocultural rupture, identity.

Contact information: parandis.pourdehghan@gmail.com

مقدمه

بی‌تردید مطالعه فرهنگ و تغییرات مرتبط با آن، جای خود را در ادبیات نظری روانشناسی و میدان تحقیقات یافته است. روانشناسی بالینی فرهنگی^۱ به مطالعه نقش فرهنگ در حیطه‌های تشخیص، درمان، توانبخشی، پیشگیری، تحقیق و آموزش می‌پردازد (کازارین و ایوانس، ۱۹۹۸). در تدوین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، بخشی با عنوان صورت‌بندی فرهنگی لحاظ شده که حاوی مبحث مفصلی از فرهنگ و تأثیر آن در آسیب‌های روانی است (انجمن روانپزشکی امریکا، ۲۰۱۳).

فرهنگ، نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طریزی گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر، منتقل می‌شود (آشوری، ۱۳۹۳). درحالی که طبیعت انسانی از لحاظ زیست‌شناختی فطری و عمومی است، فرهنگ فرا گرفته می‌شود و ممکن است از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر تغییر کند (اینگلهارت، ۱۳۸۲). از دیدگاه مارگارت مید، فرهنگ، یک مفهوم انتزاعی از رفتار آموخته شده است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (اسکالر، کانوی و کراندال، ۲۰۰۴). فرهنگ‌ها، سیستم‌های باز و پویا هستند که پیوسته در طول زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند (انجمن روانپزشکی امریکا، ۲۰۱۳).

نسل در فرهنگ وبستر، به همه مردمی که هم‌زمان زندگی می‌کنند یا به طور تقریبی هم‌سن هستند گفته شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷). از برخی جهات نیز می‌توان گفت که یک نسل عبارت است از فاصله بین والدین با فرزندانشان (بالس، ۱۳۸۰).

بحث گسست نسل‌ها بحثی دیرپاست. چگونگی نقش این گسست در شکل‌گیری آسیب‌های روانی، از موضوعاتی است که جوامع امروز با آن درگیر است. گسست نسلی^۲، تفاوت نگرش بین افراد نسل‌های مختلف است که منجر به عدم درک یکدیگر می‌شود. گسست نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین دو نسل با وجود

پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میانسال با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹). در این پژوهش، منظور از گسست، گسست یا ناپیوستگی فرهنگی - اجتماعی^۳ بین والدین و فرزندان است. گسست فرهنگی - اجتماعی، در نگاه اول، یک مسأله فرهنگی است اما انعکاس پدیده‌های روانی نیز می‌باشد.

بهترین جایی که صحنه تعارض یا توافق نسل‌هاست، خانواده است. در روزگار ما مفهوم گسست در روابط بین نسلی، بی‌تردید با بحران هویت پیوند و ارتباط عمیقی دارد (مددپور، ۱۳۸۲). اریکسون، فرهنگ را به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری هویت مطرح کرده است. به‌نظر اریکسون فرهنگ‌های مختلف و خرده‌فرهنگ‌ها به‌دلیل ایجاد شرایط متفاوت روانی - اجتماعی، نمونه‌های متفاوتی از هویت را ایجاد می‌کنند (اریکسون، ۱۹۹۴). او به چرخه کامل تحول از منظر توالی بین نسل‌ها نگرست و تحول انسانی را با توجه مستمر به فرآیندهای سه‌گانه زیست‌شناختی، روانشناختی و اجتماعی صورت‌بندی کرد (آرنت، ۲۰۱۵). یافته‌های اریکسون بر ارتباط شخص با واقعیت اجتماعی مبتنی است، فعالیت بالینی را به فراسوی مرزهای فردی می‌کشاند، ضرورت بررسی‌های دقیق‌تر بین پیوند فرد با تحول تاریخی - فرهنگی را الزامی می‌سازد و بالاخره، بیماری و بهبود آن را با چگونگی روابط بیماران با جهان مرتبط می‌کند (دادستان، ۱۳۹۳). کلاپ، یکی از دلایل مشکل هویت را شکاف بین سنت‌ها و شرایط عصر جدید می‌داند (امیدیان، ۱۳۸۸).

اگرچه جامعه ما در سال‌های اخیر توجه زیادی به موضوع نسل‌ها و گسست نسلی نموده، اما کوشش‌های تحقیقی بسیار اندکی از منظر روانشناختی صورت گرفته است. بررسی‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهند که گسست فرهنگی - اجتماعی بین نسل جوان و والدین آن‌ها اثرات غیرقابل‌انکاری بر هویت ملی و نسلی آنها می‌گذارد. به این ترتیب، این مسأله به ذهن می‌آید که گسست در روابط بین نسلی چه نقشی در شکل‌گیری هویت فرزندان در خانواده دارد.

هر انسان برداشت و تصویری از وجود خویشتن دارد که آن را می‌توان هویت فردی نام نهاد.

بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، هویت عبارت است از میزان وضوح فرد نسبت به مقولات تشخیصی از قبیل اهداف طولانی‌مدت، گزینش شغل، الگوی رقابت، رفتار و طرز فکر جنسی مناسب، ارزش‌های اخلاقی، دیدگاه مثبت نسبت به خود، روحیه تلاش و ابتکار و تنظیم وقت (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). اگرچه شکل‌گیری هویت در دوره نوجوانی، به‌صورت یک موضوع حیاتی درمی‌آید، ولی در سال‌های بزرگسالی نیز تداوم می‌یابد. نوجوانی نقطه‌نهایی نیست و دریچه‌ای را به روی خود نمی‌بندد بلکه در جوانی یا در آغاز بزرگسالی مستحیل می‌گردد. این استحاله نوجوانی به منزله پایان تحول روانشناختی نیست بلکه به منزله آغاز تحولات آینده است (منصور و دادستان، ۱۳۹۲).

در گستره اوایل بزرگسالی، یعنی در زمانی که بی‌هیچ ابهام مرد یا زن به‌عنوان یک بزرگسال جوان از دیگران متمایز می‌شود، آنچه مشخص‌کننده استقرار و تحول یک فرد است، در این خلاصه می‌شود که آدمی با تجهیزات شناختی و عاطفی و در نتیجه شخصیتی پایدار قدم به پهنه بزرگسالی می‌گذارد و با حفظ استمرار و در عین حال گسترش‌های تطبیقی ظرفیت‌های خود، در راه تأمین هویت خویش و استقرار زندگی مستقل گام بر می‌دارد، به تهیه یک "ساخت زندگی" مبادرت می‌ورزد، هم‌جوشی با دیگری را تجربه می‌کند و بر اساس آن به تحکیم زندگی حرفه‌ای، تثبیت زندگی زناشویی و پیگیری هدف‌های خود می‌پردازد و بدین ترتیب کانون خانوادگی خود را به گروه‌های مدنی و اجتماعی ملحق می‌سازد (منصور، ۱۳۹۲).

این تحقیق با درون‌شده فرهنگی - اجتماعی آغاز شده که تمرکز آن در آغاز، بیشتر بر عوامل برونی بوده است تا درونی؛ به این معنی که با تأکید اصلی بر مقوله‌های فرهنگی شروع شده است. در این رکن، مؤلفه‌های گسست فرهنگی - اجتماعی بین فرد و والدینش با استفاده از روش "تئوری داده بنیاد"^۴ ردیابی شده و پس از آن، با تمرکز بر عوامل درونی، به سمت جنبه‌های روانشناختی پیش رفته است. بر این اساس، با استفاده از "روش بالینی"^۵، چگونگی شکل‌گیری هویت در افراد به‌صورت "تک بررسی"^۶، مورد مطالعه قرار گرفته است. رکن اول تحقیق بر اساس سؤالی پیش رفته که توجه محقق را به سوی عمل و روند سوق داده است: مؤلفه‌های گسست فرهنگی - اجتماعی در روابط بین‌نسلی چیست؟ در رکن دوم، با توجه

به‌هدف تحقیق و با در نظر گرفتن پژوهش‌های پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی، فرضیه تحقیق تدوین گردیده است: گسست فرهنگی - اجتماعی در روابط بین‌نسلی در شکل‌گیری هویت فرزندان خانواده نقش دارد.

روش

آزمودنی‌ها و روش اجرای پژوهش: پژوهش حاضر، بر اساس کاربرد روش زمینه‌یابی جامعه‌شناختی (تئوری داده بنیاد) و پیوند آن با کاربرد روش زمینه‌یابی هدایت‌شده در روانشناسی بالینی (روش بالینی به‌صورت تک بررسی) شکل گرفته است. در روش تئوری داده بنیاد، تحقیق از یک نظریه شروع نمی‌شود، بلکه از یک حوزه مطالعاتی شروع شده و فرصت داده می‌شود تا آنچه که متناسب و مربوط بدان است خود را نشان دهد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). روش بالینی که بر محور تک‌بررسی‌های نظام‌دار و جامع دور می‌زند، با روانشناسی مرضی مشتبه نمی‌شود، اما در عین حال بررسی رفتار و اختلال‌های آن را در چهارچوب گرد می‌آورد. این روش یک روش منعطف بین مشاهده ساده و مصاحبه از پیش تعیین‌شده است (منصور، ۱۳۹۲).

آزمودنی‌ها، ۱۰ نفر از زنان و دختران شهر تهران، در حدود سنی ۲۵ تا ۳۵ سال، دارای تحصیلات حداقل لیسانس و سطح فرهنگی - اقتصادی متوسط بوده‌اند. ویژگی‌های یاد شده، صرفاً معیارهای نخستین برای ورود به تحقیق بوده است. چه، این تحقیق با روش "تئوری داده بنیاد" آغاز شده و نمونه‌گیری نیز بر اساس این روش صورت یافته است؛ "نمونه‌گیری نظری"^۷ در طول تحقیق و با هدف سه نوع رویه مقوله‌بندی، به‌صورت باز، محوری، و گزینشی انجام شده تا محقق را در جهت رسیدن به مدل نظری سوق دهد. جلسات مصاحبه ضبط گردیده‌اند. در حین مصاحبه‌ها مواردی از قبیل تکیه‌گاه کلامی، آهنگ کلام، سکوت‌ها، توقف‌ها،... در ارتباط با فرآیند مصاحبه یادداشت شده‌اند. قابل ذکر است که تعداد و مدت جلسه‌های مصاحبه برای هر آزمودنی، متفاوت بوده است.

در ابتدا به‌منظور ایجاد ارتباط اولیه و آماده‌سازی آزمودنی برای الگوی تعامل، مصاحبه با

یک گفت‌وگوشنود خودمانی شروع شده و سپس یکسری سؤال در مورد سن، تحصیلات، محل سکونت، تعداد اعضای خانواده (برای اطمینان از عدم تک‌فرزندی)... شده است. سپس جریان اصلی مصاحبه شروع شده و از طریق مصاحبه فرارونده، پیرامون حوزه گسست فرهنگی - اجتماعی بین آزمودنی و والدینش، گفتگو صورت گرفته است. در ادامه روند بررسی، مولفه‌های هویت در دامنه‌های مشخص شده، بررسی شده‌اند. گذر از دامنه برونی به درونی، مستلزم تغییر روش است. در این بخش، از "روش بالینی" استفاده شده که نوعی مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته است. در طول مصاحبه سعی شده است که آزمودنی از خط اصلی مسأله مورد بررسی خارج نشود؛ در حقیقت، مکالمه‌های آزاد و مستقیم درباره مسائلی که حدودشان مشخص شده، صورت گرفته است. و در نهایت، مصاحبه با پیاده‌سازی گفتگوهای ضبط شده و یادداشت‌های رفتار آزمودنی در حین آن، بازسازی شده است. سپس داده‌های به‌دست آمده از هر مصاحبه، پیش از شروع مصاحبه بعدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته؛ داده‌های رکن اول بررسی، با استفاده از مقوله‌بندی‌های باز^۸، محوری^۹ و گزینشی^{۱۰} تجزیه و تحلیل شده‌اند و به‌دنبال آن، تفسیر داده‌های مربوط به هویت به‌عنوان پیامد، صورت گرفته است. این روند برای هر یک از آزمودنی‌ها تا آنجا ادامه یافته که به داده‌های تکراری و اشباع نظری^{۱۱} در رکن اول بررسی منجر شده است. سپس نتایج در یک مدل پارادایمی ترسیم گردیده‌اند.

ابزارهای پژوهش: جدول‌های راهنمای مصاحبه، ابزارهای تحقیق جهت گردآوری اطلاعات بوده‌اند. برای هر قسمت از مصاحبه، چه مصاحبه فرارونده و چه مصاحبه بالینی، سؤالات راهنما تهیه شده است. تأکید می‌شود که این سؤالات، کلی‌اند و به‌عنوان یک راهنما برای خارج نشدن از خط اصلی مصاحبه، تدوین گردیده‌اند، و‌گرنه ترتیب سؤال‌ها و تعداد سؤالات تکمیلی برای هر آزمودنی متفاوت بوده است. در ادامه، هر یک از جدول‌ها ترسیم و چند سؤال به‌عنوان نمونه ذکر می‌گردند. جدول شماره (۱)، سؤالات راهنما برای مصاحبه فرارونده در حوزه گسست فرهنگی - اجتماعی است. به‌منظور تدوین این سؤالات، کتاب‌های تخصصی جامعه‌شناسی مطالعه شده‌اند.

جدول ۱: راهنمای مصاحبه برای ردیابی مؤلفه‌های گسست فرهنگی-اجتماعی

تعداد اعضای خانواده تان را بگویید.

چند سال تان است؟ سن پدر، مادر، و در صورت لزوم دیگر اعضای خانواده؟

تا چه مقطعی تحصیل کرده‌اید؟ والدین تان چطور؟

به طور کل، چه تفاوت‌هایی میان اعضای خانواده شما وجود دارد؟

به طور متوسط چقدر با والدین تان وقت می‌گذرانید؟

معمولاً در مورد مسائل اساسی زندگی تان با چه کسی صحبت می‌کنید؟

از لحاظ ظاهری چه تفاوت‌هایی بین شما و والدین تان وجود دارد؟

والدین تان به چه چیزهایی اعتقاد دارند؟ شما چطور؟

از نظر شما یک زندگی ایده‌آل چگونه است؟ نظر والدین تان چیست؟

در چه شرایط خانوادگی، در زندگی احساس شادی می‌کنید؟

الگوی شما در زندگی چه کسانی هستند؟ ...

جدول شماره (۲)، جدول جامع برای بررسی هویت آزمودنی‌هاست که بر اساس آن، جدول راهنمای مصاحبه (جدول شماره ۳) صورت‌بندی شده است.

جدول ۲: جدول جامع بررسی هویت

مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت
۱. رضایت از خود
۲. وجود آرمان یا معنا در زندگی
۳. تشخیص درست از نادرست
۴. داشتن هدف در زندگی (عدم سردرگمی)
۵. هماهنگی بین تصویر فردی و اجتماعی
۶. عدم وابستگی
۷. صمیمیت

جدول ۳: راهنمای مصاحبه بالینی

<p>۱. با وجود همه ضعف‌ها، چقدر نسبت به خودتان احساس رضایت دارید؟ آینده خود را چگونه می‌بینید و فکر می‌کنید تا چه حد می‌توانید به خواسته‌هایتان برسید؟ ...</p>
<p>۲. ایده آل شما در زندگی چیست؟ چه چیزی به زندگی‌تان معنا می‌بخشد؟ ...</p>
<p>۳. هنگام تصمیم‌گیری برای انجام کارها، چقدر در درستی یا نادرستی آن‌ها تردید می‌کنید؟ آیا تا به حال در مورد عقاید مذهبی خود تردید کرده‌اید؟ ...</p>
<p>۴. چه هدف‌هایی در زندگی دارید؟ آیا برای رسیدن به اهداف‌تان برنامه‌ریزی کرده‌اید؟ ...</p>
<p>۵. فکر می‌کنید که اطرافیان‌تان شما را به همان‌گونه که هستید می‌شناسند؟ چقدر تلاش می‌کنید که مطابق خواسته‌های دوستان‌تان رفتار کنید؟ ...</p>
<p>۶. تأمین مالی زندگی‌تان از چه طریقی است؟ انتخاب رشته تحصیلی‌تان توسط چه کسی صورت گرفته است؟ شغل‌تان چطور؟ ..</p>
<p>۷. وضعیت تأهل؟ اگر نه، با کسی رابطه عاطفی دارید؟ آیا مسائل مهم و خصوصی زندگی‌تان را با همسر یا معشوقه خود در میان می‌گذارید؟ ...</p>

داده‌ها یافته‌ها

تحلیل کیفی داده‌ها در رکن اول، بر مبنای مقوله‌بندی باز، محوری و گزینشی انجام شده است. مقوله‌بندی باز، روند خرد کردن، مقایسه کردن، و مفهوم‌پردازی داده‌هاست. مقوله‌بندی محوری، سلسله رویه‌هایی است که مقولات با یکدیگر ربط می‌یابند. این کار با استفاده از یک پارادایم که متضمن شرایط، محتوا، راهبردها و پیامدهاست، صورت می‌گیرد. در مقوله‌بندی گزینشی، پدیده هسته‌ای و خط اصلی داستان مشخص و تکمیل می‌گردد (چارمز، ۲۰۰۶). برای نمونه، در جدول شماره (۴) مسیر انتخاب مقوله تفاوت‌های رفتاری در یکی از آزمودنی‌ها تقریر می‌شود. مصاحبه با این آزمودنی در ۶ جلسه یک ساعته انجام شده است.

جدول ۴: مسیر انتخاب مقوله تفاوت‌های رفتاری در یک آزمودنی

مقوله محوری	مقوله باز (نهایی)	مقوله‌های باز (اولیه)	نمونه داده‌های خام
زمینه	تفاوت‌های رفتاری	تفاوت بیان بدنی تفاوت رفتار کلامی تعارض آراستگی ظاهر تفاوت رفتارهای روزمره زندگی	تفاوت اصلی من و مامانم اینه که اون بیشتر وقت‌ها اخم می‌کنه ولی من همیشه می‌خندم. مامانم همیشه با داد و بیداد حرف می‌زنه و بی‌احترامی می‌کنه. من چون از بچگی این لحن حرف زدن مامانم آزارم می‌داد همیشه به مردم احترام می‌ذارم. مامانم دوست داره من لباس‌های لختی بپوشم مثل تاپ و دامن کوتاه یا ازم می‌خواد آرایش کنم. ولی من اصلاً خوشم نیامد و دوست دارم بلوزهای آستین بلند بپوشم. ما همیشه سر این موضوع با هم بحث داریم. مامانم از رفتارهای من بدش میاد. من اینو می‌فهمم. چون همیشه از من ایراد می‌گیره که چرا اینطوری کردی و آبروم رو بردی. من هیچوقت پول‌هام رو پس‌انداز نمی‌کنم و هرچی دارم رو خرج می‌کنم. اما مامانم همه چیز رو جمع می‌کنه. وقتی من به لباس قشنگ می‌پوشم می‌گه حیفه برو درش بیار خراب می‌شه. مامانم هیچ دوستی نداره و همش تو خونه‌ست. اما من دوستای زیادی دارم. وقتی بیکارم کتاب می‌خونم ولی مامانم فقط پای تلویزیون می‌شینه.

در ادامه، نتایج حاصل از تحقیق تشریح می‌گردند. در رکن اول تحقیق، مقوله‌ها با ملاک معناداری و فراوانی آنها در اکثر آزمودنی‌ها انتخاب شده‌اند.

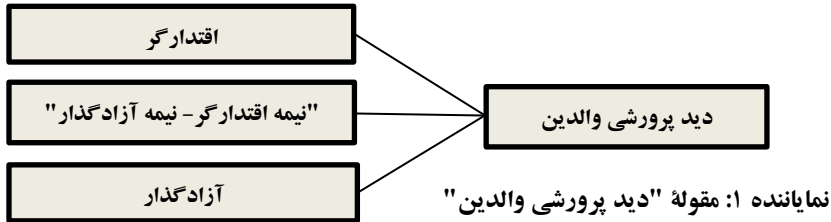
پدیده محوری: پس از مقوله‌بندی‌ها، عبارت "تفاوت فرهنگی-اجتماعی" به عنوان پدیده محوری مدل نظری انتخاب گردیده است. نتایج این تحقیق نشان از عدم انقطاع فرهنگی-اجتماعی بین والدین و فرزندان بوده است؛ فرزندان و والدین از طریق خانواده با یکدیگر مرتبط‌اند و آنچه بین‌شان هست، تفاوت فرهنگی-اجتماعی می‌باشد.

شرایط زمینه: شرایط زمینه، خصوصیات است که بر پدیده اصلی یعنی "تفاوت فرهنگی-اجتماعی" دلالت می‌کند. بیشترین مقوله‌هایی که در طول مصاحبه‌ها کشف شده، شامل نارسایی روابط عاطفی، تفاوت‌های رفتاری، تفاوت نظر، تفاوت موضع‌گیری درباره همسر،

تفاوت در شکل‌گیری باورهای دینی، ارتباط کم، و تفاوت آرمان‌ها و ارزش‌ها می‌باشند. این مقوله‌ها به ترتیب، در ۱۰، ۱۰، ۱۰، ۸، ۷ و ۷ آزمودنی به‌طور مشترک وجود داشته‌اند. در ادامه، به شرح مختصر مقوله‌ها می‌پردازیم. "نارسایی روابط عاطفی"، شامل زیرمقوله‌های صمیمیت کم، عدم درک متقابل، آستانه تحمل پایین، و عدم لذت از حضور والدین است. آزمودنی‌ها در آراستگی ظاهر، رفتارهای روزمره زندگی و بیان بدنی، تعارض داشته‌اند. تمام آزمودنی‌ها در انتخاب سبک موسیقی دلخواه، مقصد سفر، معیارهای انتخاب دوست... نظرهای متفاوتی داشته‌اند. مقوله "تفاوت موضع‌گیری درباره همسر"، به تفاوت موضع‌گیری درباره ازدواج و معیارهای انتخاب همسر اشاره می‌کند. آزمودنی‌ها با والدین خود در کلیت باورهای دینی‌شان تفاوت آشکاری نداشته‌اند؛ در شدت باورهای دینی و شدت عمل به آن، متفاوت بوده‌اند. مبادله کلامی کم بین آزمودنی‌ها و والدین‌شان بخش قابل توجهی را در مقوله‌بندی باز، به‌خود اختصاص داده است. اکثر آزمودنی‌ها، با پدر خود رابطه کمی داشته و علت آن را حضور کم پدر در خانه خوانده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت که سهم پدران در تعامل فرزند با خانواده، غیرمستقیم و در حکم پشتیبانی است. هر یک از آزمودنی‌ها دامنه گسترده‌ای از ایده‌آل‌های خود و والدین‌شان را عنوان نموده‌اند که در نهایت با توجه به معنای صوری آن‌ها، در دو دسته مادی و فرامادی گنجانده شده‌اند.

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر شرایطی است که مشخص می‌کند که چرا فردی راهبرد خاصی را انتخاب می‌کند که فرد دیگر چنین نمی‌کند. در این پژوهش، در نهایت مقوله‌هایی به‌عنوان مداخله‌گر انتخاب شده‌اند که در انتخاب راهبرد تمام آزمودنی‌ها نقش داشته‌اند. این مقولات شامل "دید پرورشی والدین" و "میزان الگوگیری از آنها" می‌باشند. اگرچه در جوامع مختلف، دید پرورشی والدین در سه دسته اقتدارگر، دموکراتیک، و آزادگذار تقسیم شده است، اما در این تحقیق، والدین از این دسته‌بندی تبعیت نمی‌کنند، بلکه به سه دسته اقتدارگر، "نیمه اقتدارگر- نیمه آزادگذار"، و آزادگذار تقسیم می‌شوند. والدینی که نظرها و باورهای خود را به فرزندانشان تحمیل کرده و دائماً در حال سخت‌گیری و انتقاد از آنها بوده‌اند، در دید اقتدارگر جای گرفته‌اند. والدین "نیمه اقتدارگر- نیمه آزادگذار" در برخی شرایط فرزندان خود را آزاد

گذاشته و در برخی دیگر، مقتدرانه عمل کرده‌اند. والدینی که فرزندان‌شان را در همه مسائل و تصمیم‌گیری‌ها آزاد گذاشته و نظارت خاصی بر آنها اعمال نکرده‌اند، در زمره آزادگذار قرار گرفته‌اند. از این سه نوع دید پرورشی، در تحقیق ما اکثر والدین، دید اقتدارگر داشته‌اند.



مقوله "میزان الگوگیری از والدین"، نشان‌دهنده میزان تمایل آزمودنی‌ها به الگوگیری از آنهاست. اگرچه برخی از آزمودنی‌ها به صراحت، عدم تمایل خود را به الگوگیری از والدین‌شان بیان نموده‌اند، اما در نهایت، اکثریت آنها از والدین خود الگوگیری کرده‌اند.

راهبردها: راهبردها، مقوله‌هایی هستند که در واکنش به پدیده مورد نظر که تفاوت فرهنگی - اجتماعی است، صورت می‌گیرند. راهبردهای آزمودنی‌ها شامل "اجتناب" و "تبعیت" بوده است.

پیامدها: در این پژوهش، منزلت هویتی آزمودنی‌ها به‌عنوان پیامد بررسی شده که در واقع رکن دوم بررسی هر یک از آزمودنی‌ها را تشکیل داده است. مارشیا چهار منزلت^{۱۲} هویتی را ارائه داده است که شامل هویت‌یافتگی^{۱۳}، معوق‌ماندگی (بحران‌زدگی)^{۱۴}، فروماندگی (دنباله‌روی)^{۱۵} و سردرگمی هویت^{۱۶} می‌باشند (هاماک، ۲۰۱۵). در جدول شماره (۵) فراوانی منزلت‌های هویتی در این تحقیق، جهت مطلع ساختن خواننده ارائه می‌شود.

جدول ۵: فراوانی منزلت‌های هویتی

هویت سردرگم	هویت فرومانده	هویت معوق	هویت یافته
۱	۷	۰	۲

جدول شماره (۶) مؤلفه‌های هویت را نشان می‌دهد که در هر یک از منزلت‌ها، به‌طور متفاوتی نمود می‌یابند.

جدول ۶: مؤلفه‌های هویت در رابطه با منزلت‌های آن

مؤلفه‌های هویت / منزلت‌های هویتی	هویت سردرگم	هویت فرومانده	هویت یافته
رضایت از خود	متلون	ظاهر ساز	رضایتمند
وجود آرمان یا معنا	بی آرمان	تبعیت جو	آرمان دار
تشخیص درست از نادرست	مردد	تبعیت جو	ممیز
داشتن هدف در زندگی	بی هدف	هم سو با والدین	خودهدفمند
تصویر فردی و اجتماعی	نامرتب	مرتبط	مرتبط
میزان وابستگی	بینابین	زیاد	کم
صمیمیت	ناهم جوش	ناهم جوش	هم جوش

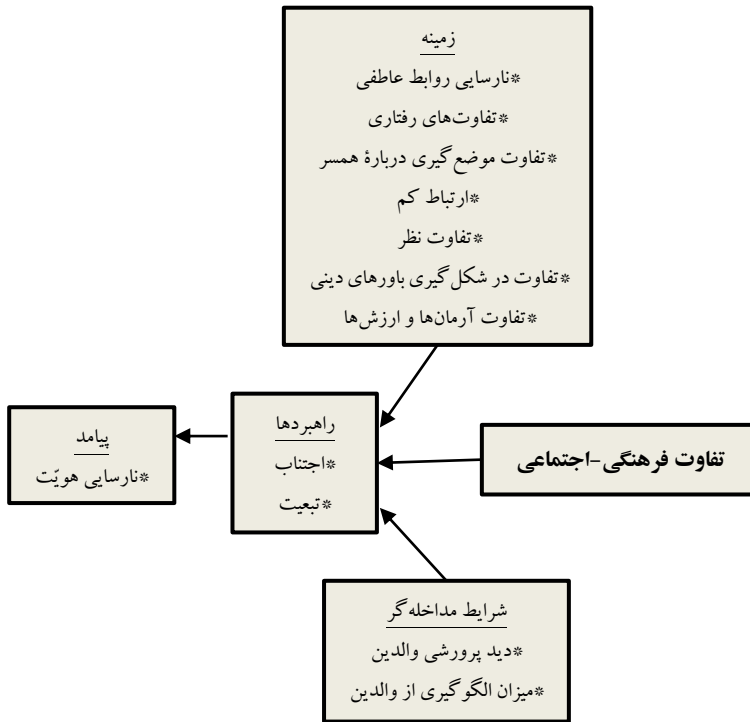
در جدول شماره (۷) چشم‌اندازی از یافته‌ها ارائه می‌دهیم. تأثیر گسست در شکل گیری هویت، در این جدول، پیداست. با نگاه به جدول می‌توان گفت که گسست فرهنگی-اجتماعی بین والدین و فرزندان می‌تواند در شکل گیری هویت فرزندان نقش داشته باشد. یعنی هرچقدر شدت ناپوستگی بیشتر باشد، احتمال دستیابی به منزلت هویت یافته کم تر است.

جدول ۷: هم‌بینی یافته‌ها

آزمودنی‌ها	شدت گسست فرهنگی-اجتماعی	منزلت هویتی
آزمودنی اول	نسبتاً زیاد	فرومانده
آزمودنی دوّم	نسبتاً زیاد	سردرگم
آزمودنی سوّم	نسبتاً زیاد	فرومانده
آزمودنی چهارم	نسبتاً زیاد	فرومانده
آزمودنی پنجم	نسبتاً کم	هویت یافته
آزمودنی ششم	نسبتاً کم	فرومانده
آزمودنی هفتم	نسبتاً زیاد	فرومانده
آزمودنی هشتم	نسبتاً کم	فرومانده
آزمودنی نهم	نسبتاً زیاد	فرومانده
آزمودنی دهم	نسبتاً کم	هویت یافته

اکنون می‌توان مدل نظری حاصل از پژوهش حاضر را با توجه به یافته‌های سطح اوّل و دوّم

ارائه داد.



نمایاننده ۲: مدل نظری حاصل از پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق متکی بر دو دیدگاه متفاوت می‌باشد که با تألیف روش‌شناسی آنها تحقق پذیرفته است. با توجه به موضوع بررسی، دو دامنه مهم (جامعه‌شناختی و روانشناختی) مورد مطالعه قرار گرفته؛ چه غیرممکن است بتوان فرد را از محیط اجتماعی مجزا ساخت. این مطالعه، از دامنه جامعه‌شناختی به سوی دامنه روانشناختی هدایت شده است. در جامعه‌شناسی بر اساس مطالعات اجتماعی، مسئله گسست فرهنگی-اجتماعی در روابط بین‌نسلی، مورد بررسی قرار گرفته است. بدیهی است که این پژوهش در همین حد متوقف نشده، بلکه ادامه راه را در گستره روانشناسی طی کرده است. اینک آنچه در این راه به دست آمده، مورد امعان نظر قرار می‌گیرد.

سؤال رکن اول این تحقیق، چیستی مؤلفه‌های ایجاد گسست فرهنگی - اجتماعی بوده که به دنبال آن، در رکن دوم با استفاده از روش مصاحبه بالینی، شکل‌گیری هویت مورد بررسی قرار گرفته است. ردیابی‌ها در این تحقیق، نشان داده که این گسست بین والدین و فرزندان، به صورت انقطاع روابط بین آنها نیست، چه، همچنان با یکدیگر در ارتباط هستند، خواه در کنار هم قرار گیرند، خواه در مقابل هم. بر اساس مطالعات موجود در مورد ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه ایران و نقش خانواده در این زمینه، مشخص شده است که فرزندان و والدین با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، از طریق خانواده با یکدیگر مرتبط‌اند؛ یعنی انقطاع فرهنگی وجود ندارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹)، بلکه آنچه هست تفاوت فرهنگی - اجتماعی به معنای تنزل پیوستگی بین دو نسل می‌باشد. شکل و سرعت گسست بر حسب قرون و محیط اجتماعی متفاوت است. اکنون در دوره‌ای از شتاب قرار داریم که گسست فرهنگی - اجتماعی بین دو نسل، با سرعت بیشتر و به طور مداوم، خواسته یا ناخواسته اتفاق می‌افتد. وقتی بین فرزند و والدین گسست باشد، تفاوت‌هایی به وجود می‌آید که ما در رفتار فرد می‌بینیم. در واقع، تفاوت، حاصل گسست یا ناپیوستگی است. با وجود هم‌جواری والدین و فرزندان، خواسته‌های والدین بر فرد اثرپذیری ندارد؛ جوان با اینکه با خانواده زندگی می‌کند، در مواردی، شیوه خود را جدا کرده و شیوه رفتار جامعه را می‌پذیرد.

مقوله‌های برآمده از بررسی گسست فرهنگی - اجتماعی در یک مدل پارادایمی ترسیم شده است. تفاوت فرهنگی - اجتماعی بین جوانان و والدین‌شان با خصوصیات چون نارسایی روابط عاطفی، تفاوت‌های رفتاری، تفاوت موضع‌گیری درباره همسر، ارتباط کم، تفاوت نظر، تفاوت در شکل‌گیری باورهای دینی، و تفاوت در آرمان‌ها و ارزش‌ها قابل تشخیص است. هر فردی بنا بر تفاوت‌های فردی و نیز بسته به نوع دید پرورشی والدینش و میزان الگوگیری از آنها، در مقابل تفاوت بین خود و والدینش، برای کنترل اوضاع، راه‌کاری برمی‌گزیند. در این پژوهش سه راهبرد شناخته شده که هر فرد یکی از آنها را برگزیده است؛ اجتناب، تبعیت، و عدم تبعیت از والدین. منظور از راهبرد "عدم تبعیت" این است که آزمودنی در عین همراهی با والدین، بر طبق نظر خویش عمل می‌کند. اما تمام آزمودنی‌هایی که هویت یافته نبوده‌اند، از یکی از دو راهبرد نخست استفاده کرده‌اند. به همین جهت در مدل نظری تحقیق، تنها دو راهبرد

اول عنوان شده است. در این پژوهش مشخص شده که والدین اقتدارگر، نسبت به تفاوت‌های بین‌نسلی ناهشیارند و متعصبانه سعی در تحمیل باورهای خود به فرزندان‌شان دارند. بدین ترتیب، فرد، خواه به اجبار، خواه به‌طور غیرعمد، از والدین تبعیت می‌کند. آزمودنی در تبعیت از والدین، فرصت اکتشاف را از دست می‌دهد و به باورها و ارزش‌های آنان متعهد می‌گردد. بدین صورت، هویت وی در حد متعارف شکل نمی‌گیرد. از سوی دیگر، اجتناب از والدین نیز با اخلال در تعامل بین آن‌ها، باعث نارسایی هویت در فرزندان می‌شود. یافته‌های ما نشان داده که جوانانی که تفاوت فرهنگی - اجتماعی بیشتری با والدین‌شان دارند، احتمال هویت‌یافتگی آن‌ها کمتر است. در واقع، شدت گسست یا ناپیوستگی در احتمال هویت‌یافتگی تأثیر دارد؛ به این معنی که هر قدر شدت گسست فرهنگی - اجتماعی در روابط بین نسلی بیشتر باشد، احتمال نارسایی هویت نیز بیشتر است.

سنجش تأثیر فرهنگ مشکل است. مقوله‌هایی که در این نوشتار مورد کاوش قرار گرفته‌اند، فقط برآوردی تقریبی از نفوذ عوامل فرهنگی بر هویت است. به‌منظور تعمیم نتایج به هر دو جنس، آزمودنی‌های پسر نیز باید مورد مطالعه قرار گیرند. جهت واری‌الگوی نظری حاصل و نیز غنای بیشتر آن، نیاز است که این تحقیق با روش‌های دیگر نیز تکرار شود. در این پژوهش، گسست در روابط بین نسلی و منزلت‌های هویتی با استفاده از فهرست‌های مصاحبه که حاصل کار محقق می‌باشد، بررسی شده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، از ابزارها و فهرست‌هایی که توسط پژوهشگران دیگر تهیه می‌شوند، برای تسجیل نتایج استفاده گردد.

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|---|-------------------------|
| 1- cultural clinical psychology | 2- generational rupture |
| 3- sociocultural rupture or discontinuity | 4- grounded theory |
| 5- clinical method | 6- case study |
| 7- theoretical sampling | 8- open coding |
| 9- axial coding | 10- selective coding |
| 11- theoretical saturation | 12- status |
| 13- identity achievement | 14- identity moratorium |
| 15- identity foreclosure | 16- identity diffusion |

منابع و مأخذ فارسی:

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی فرهنگ*. تهران: علم.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین‌نسلی*. تهران: علم.
- آشوری، داریوش. (۱۳۹۳). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. تهران: آگه.
- امیدیان، مرتضی. (۱۳۸۸). *هویت از دیدگاه روانشناسی*. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی (ترجمه مریم وتر)*. تهران: کویر. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۰).
- بالس، کریستوفر. (۱۳۸۰). *ذهنیت نسلی: دیدگاهی روانکاوانه درباره اختلاف نسل‌ها* (ترجمه حسین پاینده). *فصلنامه ارغنون*، ۱۹، ۱-۲۹ (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- دادستان، پریرخ. (۱۳۹۳). *گزیده‌ای از بزرگ‌ترین نظام‌های روانشناسی تحولی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- مددپور، محمد. (۱۳۸۲). *صورت‌های نوعی گسست نسلی و فرهنگی*. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی (گردآورنده)، *نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی* (صص ۵۲-۳). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- منصور، محمود. (۱۳۹۲). *روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- منصور، محمود، و دادستان، پریرخ. (۱۳۹۲). *روانشناسی ژنتیک ۲: از روان‌تحلیل‌گری تا رفتارشناسی*. تهران: رشد.

منابع و مأخذ خارجی:

- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders* (fifth Ed). Washington, DC: Author.
- Arnet, J.J. (2015). Identity development from adolescence to emerging adulthood: What we know and especially don't know. In K.C. Mclean and M. Syed

- (Eds.), *The oxford handbook of identity development* (pp. 53-64). New York: Oxford University Press.
- Charmez, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. London., Thousand Oaks, CA., New Delhi: Sage Publication, Ltd.
- Erikson, E.H. (1994). *Identity: Youth and crisis*. New York: W.W. Norton.
- Hammack, P.L. (2015). Theoretical foundations of identity. In K. C. Mclean and M. Syed (Eds.), *The oxford handbook of identity development* (pp. 11-30). New York: Oxford University Press.
- Kazarian, S.S., and Evans, D.R. (1998). Cultural clinical psychology. In S.S. Kazarian and D.R. Evans (Eds.), *Cultural clinical psychology: Theory, research, and practice* (pp. 3-38). New York: Oxford University Press.
- Schaller, M., Conway, L.G. and Crandall, C.S. (2004). The psychological foundation of culture: An introduction. In M. Schaller and C. S. Crandall (Eds.), *The psychological foundations of culture* (pp. 3-12). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Strauss, A., and Corbin, J.M. (1990). *Basic of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage Publication, Inc.